

مثل دریا و گل و باران!

نگار نوبهار

نام کتاب: مثل باران

شاعر: زینب مسرور

تصویرگر: الاله ملکی

ناشر: بنیاد پژوهش‌های اسلامی - مشهد

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۷

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۲ صفحه

بها: ۴۵۰ تومان



کتاب‌های آموزش احکام و اصول دین و نماز و روزه گرفته تا شعرهایی در وصف و مدح ائمه معصومین و شخصیت‌های دینی.

واقعیت این است که شعر کودک و نوجوان ما در زمینه دینی، دچار فقر شدیدی است. بسیاری از شاعرانی که در این عرصه می‌سرایند، ناشاعرانی هستند که حتی در شناخت عناصر اولیه شعر، مثل وزن و قافیه، دچار مشکل‌اند و در توانایی شعری آنان تردید جدی وجود دارد. شاعران مطرح و نام‌آشنای این عرصه نیز هنگامی که به سرودن شعر مذهبی روی می‌آورند، دچار همان کلیشه‌ها و کلی‌گویی‌های رایج

این روزها اگر در بازار نشر و فروش کتاب‌های کودک و نوجوان، به دنبال کتاب‌های شعر با موضوع مذهبی بگردی و یا سری به سایت‌ها و موتورهای جست‌وجوگر اینترنتی برای پیدا کردن چنین کتاب‌هایی بزنی، قطعاً دست خالی باز نخواهی گشت. اما آنچه به دست می‌آوری، نتیجه‌ای است که بیش از پیش تو را افسرده می‌کند. متأسفانه بازار کتاب‌های کودک و نوجوان ما، این روزها پُر است از کتاب‌هایی که به ظاهر شعر کودک و نوجوان هستند، اما وقتی آن‌ها را می‌خوانی یا حتی تورق می‌کنی، می‌بینی با نظمی ضعیف و کلیشه‌ای به جای شعر روبه‌رو هستی! از

در کتاب «مثل باران»، به نظر می‌رسد در برخی موارد، محدودیت‌های شعری، دست شاعر را برای انتقال معنا بسته و گاه حتی برخی مفاهیم، به غلط مطرح شده است

می‌شوند که شعرشان را تا حد نظم‌ی شعاری و ضعیف تنزل می‌دهد. بی‌دلیل نیست که مدت‌هاست شعر به یادماندنی و تأثیرگذاری در این زمینه نخوانده‌ایم و اگر بخواهیم تعداد شعرهای مذهبی خوب و قوی را در این زمینه به خاطر بیاوریم، شاید به تعداد انگشتان دست هم نرسند.

در این مجال، فرصتی برای ریشه‌یابی این معضل و پیدا کردن علل و عوامل آن نیست و این مسئله، به قدری مهم و گسترده است که انتظار می‌رود پژوهشگران و منتقدان عرصه شعر کودک و نوجوان، به شکل جدی به آن بپردازند و در صورت امکان، برای رفع آن راهکارها و چاره‌هایی پیشنهاد کنند.

کتاب «مثل باران»، سروده زینب مسرور، یکی از کتاب‌های شعری است که شامل پنج شعر درباره قرآن و سوره‌های قرآن است. در این شعرها که مخاطب آن گروه سنی «الف» و «ب» هستند، گاه یکی از سوره‌های قرآن لب به سخن می‌گشاید و خود را برای مخاطب معرفی می‌کند:

من یک نشانه از خدایی
خوب و بزرگ و مهربانم
قرآن شده با نامم آغاز
من اولین سوره از آنم
(ص ۲، شعر مثل دریا)

در شعر فوق، سوره «حمد» به معرفی خود می‌پردازد؛ آن هم در قالب توصیف‌هایی پی‌درپی و کلی:

هفت آیه دارم سبز و روشن
کوتاه، اما خوب و زیبا
پاک و زلال و صاف هستم
مانند چشمه، مثل دریا

در شعر دیگری، سوره کوثر، به عنوان کوچک‌ترین سوره قرآن، به معرفی خود می‌پردازد:

کوچک‌ترین سوره‌هایم
من دوست هستم با پیامبر(ص)
من دشمنم با دشمنانش
نام قشنگم هست کوثر...
(ص ۶، شعر مثل هیچ‌کس)

در شعرهای دیگر «مثل باران»، «مثل گل‌ها» و «مثل خورشید»، قرآن و سوره توحید، به معرفی خود پرداخته و یا درباره پدری که قرآن خواندن را به فرزندش آموخته و اکنون در کنار او نیست، صحبت می‌کند.

نکته‌ای که باید در مورد آفرینش آثار ادبی با رویکرد مذهبی، همواره به آن توجه داشت، این است که نویسنده و شاعر اولاً باید در مورد موضوعی که می‌نویسد یا می‌سراید، اطلاعات کافی و کامل و صحیح داشته باشد، ثانیاً در انتقال این مفاهیم به مخاطب و شیوه ارائه آن، دقت و تأمل کافی داشته باشد؛ به ویژه در شعر که عواملی چون وزن و قافیه خود را بر شاعر تحمیل می‌کنند باید مراقب بود که این

محدودیت‌ها، جلوی انتقال صحیح مفهوم به مخاطب را نگیرند.

در کتاب «مثل باران»، به نظر می‌رسد در برخی موارد، محدودیت‌های شعری، دست شاعر را برای انتقال معنا بسته و گاه حتی برخی مفاهیم، به غلط مطرح شده است.

به عنوان مثال، در بخشی از شعر «مثل هیچ‌کس» که سوره «کوثر» خود را به کودک معرفی می‌کند، چنین می‌خوانیم:

من هدیه پروردگارم
پروردگار خوب و دانا
من را خدا نامید کوثر
یعنی که خوب و نیک و زیبا
(ص ۶، شعر مثل هیچ‌کس)

می‌دانیم که معنایی که برای «کوثر» ذکر شده، «خیر کثیر و فراوان» است، نه «خوب و نیک و زیبا». با توجه به این‌که مخاطبان کتاب، کودکان خردسال بوده و در مرحله آموزش برخی مفاهیم هستند و نیز با عنایت به مذهبی بودن موضوع شعرها، آموزش دینی هم مد نظر شاعر بوده است. بنابراین، انتظار می‌رود شاعر در انتقال برخی معانی و مطالب وسواس و دقت بیشتری نشان بدهد.

در ادامه مطلب، خوب است به برخی نکات ساختاری و زبانی شعرها هم اشاره کنیم که سبب شده است شعرها گاه تا حد نظم‌ی خالی از جوهره واقعی شعر تنزل یابند. ابتدا به سراغ تخیل و خیال شاعرانه می‌رویم که به عنوان اصلی‌ترین عنصر شعر و عامل مهم متمایزکننده شعر از نظم است.

دایره خیال شاعر در این کتاب، بسیار محدود و بسته است. همان‌طور که از نام شعرها پیداست، اوج خلاقیت شاعر و استفاده او از صورت‌های خیال، «کاربرد تشبیه» است. «تشبیه» اگرچه ابتدایی‌ترین صورت خیال است، برای گروه‌های سنی پایین، یکی از صورت‌های پُرکاربرد خیال است. در تشبیه، مقایسه‌ای که میان دو چیز می‌شود و ارتباط شاعرانه‌ای که بین آن دو برقرار می‌شود، به شعر تمایز و زیبایی می‌بخشد. هر چه مشبه‌به و وجه شبه نوتر و خلاقانه‌تر باشد، تشبیه قوی‌تر خواهد بود. حال برمی‌گردیم به تشبیه‌های کتاب مورد بحث:

هفت آیه دارم سبز و روشن
کوتاه، اما خوب و زیبا
پاک و زلال و صاف هستم
مانند چشمه، مثل دریا
(ص ۲، شعر مثل دریا)
پاک و زلال مثل باران
نام قشنگم هست قرآن
(ص ۴، شعر مثل باران)



مثل گل ها

پدر آمد از راه
با کتابی در دست
گفت: این قرآن است
داد آن را به من و
گفت: با خواندن هر
آیه ای از قرآن
در دلت می شکفتد
گل سرخ ایمان...

شب شد و در خانه
بوی گل ها پیچید
پدرم قرآن را
باز کرد و بوسید

قلبت شود مانند خورشید
سرشار از عشق و از امید
(ص ۵، شعر مثل باران)
گفت با خواندن هر
آیه ای از قرآن
در دلت می شکفتد
گل سرخ ایمان
(ص ۸، شعر مثل گل ها)
من سوره توحیدم
سرشار از امیدم
در آسمان دل ها
مانند یک خورشیدم

...
من او را دوست دارم
چون یکتا و بی همتاست
او مثل یک ستاره
مانند گل ها زیباست

(ص ۱۰ و ۱۱، شعر مثل خورشید)

مشبه به این تشبیه ها عبارتند از: خورشید، گل، ستاره، باران، چشمه و دریا و وجه شباهت ها هم صاف و زلال و پاک بودن، زیبایی، نور و درخشندگی است که همگی تکرار و کلیشه ای هستند. برخی از اضافه های تشبیهی هم عبارتند از گل سرخ ایمان، آسمان دل ها و... که خلاقیتی در آن ها به چشم نمی خورد.

ضعف های زبانی، یکی دیگر از دلایل ضعف شعرهای این مجموعه است. در کتاب هایی که برای کودکان خردسال سروده می شود، زبان از اهمیتی دوچندان برخوردار است. نحوه جمله بندی، واژه های مورد استفاده شاعر، ترتیب یا به هم ریختگی اجزای جمله، کاربرد ضمائر مختلف و اشاره به مرجع آن ها و... همه و همه نکاتی است که عدم توجه و دقت کافی شاعر به آن، می تواند در شعر ایجاد مشکل کند. در ذیل به نمونه ای از این موارد یاد شده، در سروده های کتاب «مثل باران» اشاره می کنیم:

۱ - دوپاره شدن جمله و آمدن بخشی از آن در مصراع بعد که سبب دشواری در هنگام خواندن می شود:

من یک نشانه از خدایی
خوب و بزرگ و مهربانم
(ص ۲، شعر مثل دریا)
گفت با خواندن هر
آیه ای از قرآن
در دلت می شکفتد
گل سرخ ایمان
(ص ۸ شعر مثل گل ها)

۲ - نامعلوم بودن مرجع ضمیر:

کوچک ترین سوره هایم
من دوست هستم با پیامبر (ص)
من دشمنم با دشمنانش
نام قشنگم هست کوثر

پیغمبرش را دوست می داشت
آن مهربان خوب، اما
آزار می دادند مردم
با حرف شان همواره او را

(ص ۶ شعر مثل هیچ کس)
«ش» در «پیغمبرش» به خدا برمی گردد که در بند قبل به آن اشاره ای نشده و ممکن است مخاطب را سرگردان کند.

در بند آخر شعر هم ضمیر «من» مرجع مشخصی ندارد. با توجه به این که در شعر، هم از حضرت زهرا (س) سخن گفته شده و هم سوره کوثر حرف می زند، ممکن است در پیدا کردن مرجع ضمیر دچار مشکل شویم:

من هدیه پروردگارم
پروردگار خوب و دانا
من را خدا نامید کوثر
یعنی که خوب و نیک و زیبا
(ص ۷، شعر مثل هیچ کس)
در شعر مثل گل ها، ابتدا از زبان کودک می خوانیم:

پدر آمده از راه
با کتابی در دست
داد آن را به من و

تا دید زهرا را پیامبر
از چشمش اشک شوق بارید
دستان سبز و کوچکش را
با اشتیاق و شور بوسید



من هدیه پروردگارم
پروردگار خوب و دانا
من را خدا ناامید کوثر
یعنی که خوب و نیک و زیبا

در برخی قسمت‌ها،
شعر چنان از
جوهره خیال خالی
می‌شود که به نظم
تبدیل می‌شود و
مخاطب احساس
می‌کند شاعر به
جای سرودن شعر،
حرف می‌زند

همواره باز باز است

□

او ما را آفریده

چون ما را دوست دارد

اما پدر یا مادر

یا فرزندی ندارد

(ص ۱۰، شعر مثل خورشید)

ابیات فوق، در واقع ترجمه‌ای منظوم است از آیات سوره
توحید.

□

همان‌گونه که در آغاز اشاره شد، یکی از شعرهای این
کتاب، در قالب مثنوی سروده شده (شعر مثل باران، ص ۴)،
اما شکل نوشتاری آن مانند چارپاره، به صورت بند بند است
که این نکته نیز از کم‌دقتی شاعر یا ناشر نشان دارد.

در پایان، شایسته است به تصویرگری کتاب هم
اشاره‌ای داشته باشیم. تصاویر آلاله ملکی گرچه ساده،
کودکانه و خیال‌انگیز هستند، هیچ‌کدام ارتباطی قوی با متن
ندارند، به گونه‌ای که شاید بتوان به راحتی هر تصویر را
برای هریک از شعرها قرار داد. به عنوان مثال، می‌توان
از تصاویر صفحات ۵ و ۷ و ۱۱ یاد کرد. در حالی که در
کتاب‌های خردسالان، تصویر اهمیتی همپای متن دارد.
هر تصویر یک پیام است و تصویر خوب در شعر، تصویری
است که ضمن برانگیختن خیال مخاطب، بتواند بهترین و
عمیق‌ترین پیام را با بیشترین تأیید به مخاطب منتقل کند.
به نظر می‌رسد تصاویر کتاب مورد بحث، در انتقال این پیام،
چندان موفق نبوده است.

گفت: این قرآن است...

سپس از زبان پدر می‌خوانیم:

آن شب نورانی

شب قدر است پسر!

باشد از هر روز و

ماه و سالی بهتر...

اما در بند آخر، ناگهان راوی عوض می‌شود و دلیل این

امر مشخص نیست:

سال‌ها بعد، پدر

رفت و او تنها ماند

مثل بابا هر شب

باز قرآن می‌خواند

(ص ۹، شعر مثل گل‌ها)

اگر روال طبیعی روایت شعر ادامه می‌یافت، باید گفته
می‌شد:

سال‌ها بعد، پدر

رفت و تنها ماندم

مثل بابا هر شب

باز قرآن خواندم

۳ - نظم به جای شعر:

در برخی قسمت‌ها، شعر چنان از جوهره خیال خالی
می‌شود که به نظم تبدیل می‌شود و مخاطب احساس
می‌کند شاعر به جای سرودن شعر، حرف می‌زند:

ما محتاج خداییم

اما او بی‌نیاز است

درهای رحمت حق